

نامه لابلائیسی فرانسوی به میرزا شفیع (فارسی)

آصف الزمانا معتمد السلطانا امین الدولتین ادا هم الله تعالی الی یوم القیام
داعی نیکخواه شوکتین بهیتین کاتب سردولت فرانسیه حالا مأمور بپایتخت
ایران جنت نشان ، لابلائیسی ، که صداقت و خیرخواهی دولتین علیتین را سرمایه
امیدواری خود ساخته باظهار این مطالب میپردازد ، که در زمان میمنت اثر
که در حضور حضرت قدر قدرت قبله عالم وعالمیان نامه محبت علامه را از
جانب خیر جوانب ایمپراطور اعظم رسانیدم از کلام مبارک خسروانی شنیدم
که اعلی جناب نایب السلطنه العلیه العالیه عباس میرزا با عساکر ایرانیه و
جناب حاجی یوسف پاشا باجنود عثمانیه باتفاق یکزبانی مفتوح ابواب جنگ
وجدال خواهند بود و خزاین فراوان و هر گونه توشه و اسباب حربیه دریغ
نخواهیم کرد (کذا) تامایه دشمن را ضعیف و مقهور و از اطراف شرقیه بزور آوری
و دستیاری سپاهیان اروم و ایران قلع نمائیم ، در این اوقات نیز نامه دیگر
اعلی حضرت ناپولئون و مرثده فتوحات عساکر فرانسیه و پیغام شکستگی اروم
منحوس در صحرای ایلان رسیدند و خاطر مهر تخمیر پادشاهی کمال سرور و
شادمانی پذیرفت ، در اردوی همایون صینقلعه فی تاریخ ۱۲ شهر ربیع الثانی
عالی حضرت سلطانی مجدداً فرموده بودند که بامداد عسکر شاهزاده اعظم
اکرم خزینه و زنبور کخانه و اسباب قتال و دسته دسته جنگیان کار آزموده را
بصوب آذربایجان روانه فرمودیم . پس از این بارها وعده مکرر نموده بودند
که من بعد خودداری در جنگ نخواهد شد و باز در تاریخ ۳ شهر جمادی الثانی

در چمن سلطانیه بدین داعی ، شاه فرمودند که اختیار تام بدست مالک رقاب شاهزاده عباس میرزا تسلیم فرمودیم و الحال از رودخانه آراس بتسخیر بلاد قره داغ خواهد گذشت و قشون رکابی و جنود آذربایجان را الی دلو و حوت مرخص نفرموده باید که در مقابلۀ اروس بمانند تا آن دشمن بد کردار از زمین ایران بالکلیه رانده شود و در همان روز عالی حضرت پادشاهی بدین داعی اعلام فرمودند که مابه آن مطالب بیهوده از شروط ناشنوده ایوان و اسویج قهراً اعراض کردیم و اخراج و دو انیدن آن رسول حيله اندیش از پیش جناب نایب - السلطنه علیه علامت پیکار خواهد گردید و آن کلام مبارک و ترجمه ذیقیمه که آن جناب آصف زمان بدست این داعی تسلیم نموده بودند بتعجیل تمام از خدمت جنرال سباستیانی تحریراً ارسال کردیم ، لاجرم در حین مذکور این داعی صداقت کیش توقع میداشت که دولت علیه ایران صادقۀ النیة و حافظه العهود ساز جنگ و جدال را بنوازد ، اما تیر امیددی که بنا بر یمن و ایمان و عهد و پیمان فیما بین اعلی حضرت ایمپراطور اعظم و عالی حضرت قبله عالم روا دانستیم و خدنگ انتظاری که از سخن زبان گوهر فشان سلطانی حاصل نمودیم تا حال باطل و بیهوده انداخته به هدف کامرانی نرسیدند . چهار ماه گذشت از یوم قدوم این داعی بحضور امنای دولت علیه ایران و هیچ یکی از مطالب مأموره بجای وارد نشد و وعده هائی که بارها شنیدیم بی معنی و بی اساس گردیدند ، اگر چه دائماً اولیای آن دولت بدین خیر خواه گفته اند که خواهش و مقصودات حضرات ناپولئون که معلوم و مکشوف ما شودشکی نیست که با جابت مقرون خواهد بود .

اندیشه و مظنه اعلی حضرت ناپولئون کدام میباشد ، چون شنود که در حین جان نثاری خود و در زمان چندین خون فشانی دلیران عساکر فرانسیسه بواسطه فتح عملی شاه دولت ایران فرصت را غنیمت نمی شمارد و گروه قلیل را که بی قوت و بی قرار مانده پناهی ندارند تا امروز دور از نفوذ ممالک خویش ندواند .

کلی عالم تعجب خواهد کرد ، چون شنود که پادشاه ایران برادر مهر گستر
ایمپراطور فرانسه هنگام بختمندی رانستود و آتش انتقام را در خون عدوی
خیره سرو (-) پرور فرو نمنشانده صلاح این سه دولت فرانسه واروم ایران یکی
است و دشمنان و بدخواهان ایشان هم یکی است و عهود و موثیق که این سه
دولت را بی یکدیگر می بندند بسی تمام از هر سه جانب نگاهداشته باید و
شاید که الی یوم القیامه استوار و پایدار بماند و حضرت ناپولئون که بتوفیق الله
تعالی وعده خود راهمواره بفرجام خیر همی انجامد بفیروزیه و دستبرد خود
طعمه کار گذاران دولت اروس را مسدود ساخته و بیخ قصد تسخیر ایران را
که صد و پنجاه سال سرمایه و آرزوی آنها بود به نیروی و زور مندی بازوی
بر کند آثار صداقت و وفاداری خود را بر جهان و جهانیان آشکار و هویدا فرمودند
و در خصوص اندیشه و مقصود نامحدود امنای دولت اروسیه معلوم است که
اولیای دولت ایرانیه بی خبر و بی آگاهی نبودند چون که نظر بر رفع و دفع
آن دشمن صعب کرده خواهش عهد دوستی و پیمان یکجتهی بادولت امپراطوریه
فرانسه نمودند و چون عمارت اتحاد و داد بنا بر بنیاد و ارادات داور توانا ساخته
است رخنه و خللی در این دیوار نباید کرد .

در چنین اوقات و با چنین پیوستگی امنای ایران چه حرکت نمودند آن
دولت و عساکر و دلیران قزلباش در کنج آرام مانده و پای در طریقی دور از
صلاح خود نهاده و قدم در جاده مخالف پیمان دولتین علیین گذاشته راه صدق
و وفا را نگرفت عساکر حضرت ناپولئون بلاد بسیط ممالک اروسیه را کارزار
ظفر خویش و میدان عار و فرار عدوی بد اندیش ساخته سلامت و راحت ایران
را بخون ارجمند خود خریدند و از جانب دولت عثمانیه لشکر منصوره ایشان
از چنگ اروس منحوس ولایات آلاح بغداد و جزیره تندوس را پس گرفت و
در میان چندین فتوحات عساکر ایران در مقابله چهار هزار نفر اروس پراکنده
و پریشان بیقرار و حیران که طاقت حمله دسته دلیران نیارند پیش نرفته بلکه
دور و بعید از معر که نشسته اند .

خلاصه چون مرموزه ضمیر عالی حضرت قدر قدرت خسروی اینست که
عقد و داد و دوستی و اتحاد و برادری هر گز گسسته نگردد این داعی صداقت

اندیش بیجناب آصف الزمان مسئلت مینماید که بر سبب درنگ و بر علت عدم جنگ حالی و مطلع کرده جواب این مطالب مرقوم فرموده بدست این داعی مسلم گردد. متوقع آنکه آن جناب همین رقیمه را بنظر همایون ظل اللهی رسانیده آنچه که عالی حضرت پادشاهی میفرمایند بکاتب حروف اعلام نماید و این نیکخواه شوکتین بهیتین یدی دعای بدر گاه داور ذوالمنن برداشته از دیاد عمر و دولت جناب آصف الملک و امنیت ممالک ایران شفاعت مینماید امید که چون از شایبه ریامبر است با جابت مقرون باد بر ب العباد .

این رقیمه در دار السلطنه تهران در ۸ ماه ستمبر ۱۸۰۷ میلاد عیسویه موافق شهر رجب المرجب سنه ۱۲۲۲ تحریر پذیرفت .